

## سرهقاله

اولین شماره مجله تحقیقات اقتصادی در سال ۱۳۴۰ منتشر شد و با وقفه‌هایی که در انتشار آن رخ داده است، هم اکنون پنجاه و هشتمین شماره آن تقدیم دانشگاهیان و دانش پژوهان علاقمند به این نشریه می‌گردد. اگر مقاله‌های چاپ شده در این مجله را نمادی از چگونگی و تحول و دگرگونی در تفکر حاکم بر جامعه علمی اقتصادی کشور بدانیم (براساس پژوهشی که مراحل نهایی خود را می‌گذرانند)، آنگاه حاکمیت روش‌شناسی فرمالیسم و یا در شکلی کلی‌تر تفکر مرسوم (conventional) را که انعکاسی از برنامه‌های آموزشی اقتصاد در ایران بویژه در دو دهه گذشته است را شاهد خواهیم بود. اگر چنین فرضی صحیح باشد سؤال همیشگی نافعیت در کنار و البته نه در مقابل علیت (scientific) مطرح می‌شود. به عبارت دیگر آیا بسنده کردن آموزشهای اقتصادی و تحقیقات تبعی آن به مجموعه‌ای از دروس و در چارچوب مدل‌هایی که پیش فرضهایی را در شکلی از روابط علت و معلولی به آزمون مشاهدات قرار می‌دهند و خود سؤالهای بیشماری را در خصوص فرضیه، فروض مدل انتخاب شده، تصریح متغیرها و نزدیک به واقع بودن داده‌های آماری را شامل می‌شود، کافی برای تبیین مفید و نافع از مسائل اقتصادی کشور می‌باشد؟ و آیا در کنار منطق علمی جاری در شیوه مذکور بهتر نیست یکبار هم به شبکه روابط علی با نگرشهای غیر مرسوم توجه و تأکید نموده و آمیزه‌ای مناسب از هر دو شیوه علمی بکار بسته شود تا محقق با اشراف بر تصویر کلان بر مسائل اقتصادی منشأ و جوهره علی پدیده‌های در هم تنیده را نیز با استعانت از دیدگاههای کل‌گرا (wholism) و یا مدل‌های شبکه‌ای (pattern model) و سایر مکاتب دگراندیش را مورد کاوش قرار دهد و سیاستهای عملی برای درمان نارسایی‌های اقتصادی در کشور پیشنهاد نماید. آیا زمان آن فرا نرسیده که اقتصاددانان ایران همچون سانکل در آمریکای لاتین کفایت سیاستهای پولی را برای درمان تورم مورد سؤال قرار داد. و یا چون لوئیس در اوج شکوفایی مکتب نئوکلاسیک

با یک نوآوری فکری شیوه تحلیل تاریخی را با ابزار تحقیقی مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ترکیب نموده و مسئله نیروی کار در کشورهای جهان سوم را به تصویر بکشند. و یا نظیر میردال که سالها در بند اندیشه‌های جزمی مکتب استکهلم بود به نگرشی جامع از تحلیل‌های اجتماعی دست یافته و بار ارزشی (value ladenness) را هموزن و همسان با بار تئوریک (theory ladenness) در تحلیلها و نگرش‌های علمی دخیل و الزام‌آور بداند و نویسندگان مشهوری چون ویلیامسون تعالی ارزشها، تکامل نهادها و دانش و توانمندی در اعمال فنون مدیریتی را از پیش نیازهای موفقیت برنامه‌های توسعه به شمار آورد. در هر حال، گذر از معضلات اقتصادی کنونی نیازمند نوآوری در بینش‌های اقتصادی و خلق دیدگاهی نظری ابتدا در بین تصمیم‌گیرندگان سیاسی - اقتصادی و سپس در رده‌های اجرایی سیاستگذارها است که متناسب و منطبق با شرایط اقتصادی و غیراقتصادی حاکم بر کشور باشد.

مقاله‌های این شماره حاصل دیدگاههای مختلف نویسندگان در موضوع‌های متنوع اقتصادی است.

در اولین مقاله به اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان پرداخته شده است، نویسندگان معتقدند که بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران یک مانع جدی رشد واقعی است و ایجاد و حفظ یک محیط با ثبات اقتصاد کلان مستلزم تغییرات اساسی در ساختار مالی دولت بوده و در این راستا، مدیریت و سیاستهای اقتصاد کلان نقش عمده‌ای دارند.

دومین مقاله این شماره تعیین عرضه رقابتی کالاهای بادوام با نوسانات تصادفی در ذخیره کالا است، و نتیجه‌گیری می‌کند که تولیدکننده میزان انتظاری تولید را افزایش می‌دهد زیرا مبلغی به عنوان بیمه‌گریز از ریسک جهت جبران نوسانات تصادفی پرداخت می‌کند، از طرف دیگر، افزایش در قیمت سایه‌ای کالا از ارزش نهایی خدمات حاصل از استعمال کالا، به مراتب بیشتر می‌باشد.

مقاله سوم رویکردی به مناهای اقتصادی در احکام اسلامی و بررسی عناصری از آن می‌باشد. در این مقاله نویسنده به مجموعه‌ای از مناهای که در فضای فعالیتهای اقتصادی، اعمال آنها مطلوب دانسته شده و حکم گردیده است اشاره دارد که این مناهای انسانها را از

ابتلا به اسراف، احتکار، وارد کردن ضرر و زیان به دیگران و یا معاملات مشخصی که حرام هستند، دور می‌کند. اجرای این احکام کاهش دهنده هزینه‌های معاملاتی و به تبع آن افزایش سوددهی اقتصادی و گرایش به سمت شرایط رقابت و تخصیص بهینه منابع خواهد بود و مازاد مصرف کننده و تولید کننده حداکثر می‌باشد.

مقاله چهارم این شماره "مقایسه کارکرد برآوردهای حاصل از مشخص نمایی تعادل و عدم تعادل در بازار محصولات کشاورزی ایران" به دسته بندی نوشتارهای پیشین اقتصادسنجی عدم تعادل با تأکید بر انتظارات عقلایی ادبیات موضوع، عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی می‌پردازد.

مقاله پنجم "اثر سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد" را مطرح نموده که مطالعه‌ای است موردی بر سیاستهای برنامه اول توسعه اقتصادی ایران. نتایج کلی این مقاله به این قرار است که "سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت کمترین تأثیر را برگسترش فقر و نابرابری دارد" و یا "تأخیر در اجرای سیاستهای تعدیل، باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد می‌گردد و سیاستهای جاری دولت نسبت به اهداف برنامه تأثیر کمتری بر افزایش نابرابری درآمد دارد.

مقاله ششم که به "پیش‌بینی تورم در ایران با استفاده از مدل‌های ساختاری، سری‌های زمانی و شبکه‌های عصبی" پرداخته، این مقاله حاصل یک طرح تحقیقاتی است که طی آن نویسنده مدل‌های شبکه‌های عصبی و نحوه کاربرد آنها در اقتصاد را مطرح نموده و سپس یک مدل شبکه برای پیش‌بینی تورم در ایران را با استفاده از اطلاعات سالهای ۱۳۷۷-۱۳۳۸ طراحی و اجرا نموده است.

آخرین مقاله این شماره مربوط به "تصمیم‌گیری در مورد خرید و فروش سهام، قبل یا پس از زمان برگزاری مجمع عمومی عادی" است، پس از برگزاری مجمع، سهام به علت اینکه بخشی از منافع خود را از دست داده است، معمولاً با قیمت کمتری در بورس معامله می‌شود. در این مقاله با توجه به واقعیت فوق، مطالعه و تحقیق و راهکارهایی پیشنهاد گردیده است.